



از خزر تا خلیج فارس؛ افزایش همکاری انرژی روسیه و ایران

پروژه ترانزیت گاز روسیه به ایران نماد واقعیت در حال تغییر در انرژی و ژئوپلیتیک است که در آن باکو از یک کشور ترانزیتی به یک معمار تمام عیار اتصال و همکاری اوراسیا تبدیل می‌شود.

به گزارش آران نیوز به نقل از بازار، «سمیر ولی اف» در طی مقاله ای که در سایت تحلیلی آذربایجان نیوز منتشر شد، نوشت: روسیه و ایران در حال افزایش همکاری های انرژی خود هستند و به راه اندازی یکی از جاه طلبانه ترین پروژه های انرژی در سال های اخیر - ترانزیت گاز طبیعی روسیه از طریق خاک ایران - نزدیک تر می شوند. به گفته «کاظم جلالی»، سفیر ایران در روسیه دو کشور در حال حاضر به توافق ۹۰ درصدی در مورد شرایط این همکاری رسیده اند. تنها «دو یا سه» موضوع معوقه باقی مانده است که هر دو طرف انتظار دارند تا پایان آوریل نهایی شوند. در آن زمان تهران میزبان نشست کمیسیون بین دولتی روسیه و ایران خواهد بود که وزرا و ذینفعان کلیدی را گرد هم می آورد.

پس از امضای همه توافق نامه ها، این یک پیشرفت قابل توجه در توسعه یک کریدور صادراتی جنوبی جایگزین برای گاز روسیه خواهد بود - کریدوری که مستقل از تحریم های غرب و زیرساخت های سنتی خط لوله عمل می کند. اهمیت استراتژیک این ابتکار فراتر از لجستیک انرژی است: این کریدور، صف بندی های ژئوپلیتیکی را تغییر شکل می دهد، همکاری های منطقه ای را تقویت می کند و محور جدیدی از ادغام را معرفی می کند. در این زمینه، آذربایجان به عنوان محور اصلی این پروژه ظاهر شده است.

مسیر پیشنهادی ترانزیت گاز از آذربایجان می گذرد و آن را به پلی استراتژیک بین روسیه و ایران تبدیل می کند. جغرافیا، زیرساخت ها و توازن دیپلماتیک باکو، آن را به عنوان بازیگر اصلی ترانزیت در این شبکه انرژی نوظهور قرار داده است. این مسیر، سیستم خط لوله روسیه را به استان های شمالی ایران متصل می کند که از میادین اصلی گاز جنوبی این کشور دور هستند و از کمبودهای مکرر به ویژه در زمستان، رنج می برند.

مسیر ترانزیت گاز بین روسیه و ایران از آذربایجان می گذرد و آن را به پلی استراتژیک تبدیل می کند

در ژانویه ۲۰۲۵ «سرگئی تسویلف»، وزیر انرژی روسیه تأیید کرد که مسیر آذربایجان مورد توافق قرار گرفته است. مذاکرات فعلی بر چارچوب قیمت گذاری و جزئیات عملیاتی متمرکز است. مرحله اول این پروژه، انتقال حدود ۲ میلیارد متر مکعب گاز سالانه را پیش بینی می کند. با این حال هر دو طرف پتانسیل افزایش این میزان تا ۵۵ میلیارد متر مکعب در سال را - مطابق با ظرفیت پیش از بحران نورد استریم ۱ - تصدیق کرده اند.

مسیر جدید آذربایجان را به عنوان مرکز ترانزیت مرکزی کریدور انرژی جدید قرار می دهد که می تواند با مسیرهای موجود اروپایی رقابت کند. این امر نه تنها مزایای اقتصادی، بلکه نقش ژئوپلیتیکی گسترده ای را نیز برای باکو به ارمغان می آورد. همزمان با تبدیل شدن کریدورهای انرژی به عرصه رقابت جهانی، اعتبار آذربایجان به عنوان یک بازیگر پایدار، عملگرا و از نظر استراتژیک بی طرف ارزشمندتر می شود. این کشور همواره موفق شده است روابط همکاری خود را با همه بازیگران اصلی - روسیه، ایران، اتحادیه اروپا و کشورهای آسیای میانه - حفظ کند و در عین حال منافع ملی خود را نیز حفظ کند.

به موازات طرح خط لوله گاز، کریدور حمل و نقل بین المللی شمال-جنوب (INSTC) نیز در حال اجرا است، یک پروژه چندوجهی شامل مسیرهای ریلی، جاده ای و دریایی که هدف آن اتصال اروپای شمالی به آسیای جنوبی است. یکی از مهمترین بخش های این کریدور، راه آهن ۱۶۰ کیلومتری رشت-آستارا است که سیستم های ریلی آذربایجان و ایران را به طور کامل ادغام خواهد کرد.

به گفته سفیر جلالی، ساخت این بخش از راه آهن سه تا چهار سال طول خواهد کشید. تا آن زمان، محموله ها از طریق راه آهن به شهر آستارا و سپس با کامیون به رشت حمل می شوند - این مسیر اتصال یکپارچه ای بین روسیه و منطقه خلیج فارس فراهم خواهد کرد. هزینه کل تخمینی این کریدور حدود ۱.۶ میلیارد یورو است. برای روسیه، این کریدور دروازه ای

حیاتی به بازارهای جنوبی می‌گشاید و برای آذربایجان، این کریدور نقش خود را به عنوان یک قطب لجستیکی برای تجارت فرا اوراسیا تقویت می‌کند و مشارکت های اقتصادی و استراتژیک خود را در جهات مختلف تعمیق می‌بخشد.

ایران به طور فعال از ایجاد قطب گاز منطقه ای که شامل روسیه، ترکمنستان و قطر باشد، حمایت کرده است

ایران به طور فعال از ایجاد یک قطب گاز منطقه ای که شامل روسیه، ترکمنستان و قطر باشد، حمایت کرده است. چنین قطبی با هدف ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا در منطقه وسیع تر خزر و خاورمیانه و تثبیت جریان به مناطق کمبود انرژی مانند شمال ایران خواهد بود. گاز روسیه می‌تواند نقش محوری در تحقق این چشم انداز ایفا کند.

اما موفقیت چنین ابتکاری به سه عامل کلیدی بستگی دارد: زیرساخت، امنیت و انسجام دیپلماتیک. اینجاست که آذربایجان دوباره ضروری می‌شود. آذربایجان با تجربه خود در پروژه های بزرگ انرژی فراملی مانند کریدور گاز جنوبی، TAP و TANAP و همچنین روابط دیپلماتیک خوب خود با مسکو و تهران، بستری معتبر و توانمند برای ادغام منطقه ای ارائه می‌دهد.

پروژه ترانزیت گاز روسیه از طریق ایران با آذربایجان به عنوان شریک کلیدی، چیزی بیش از خط لوله است. این پروژه نماد واقعیت در حال تغییر در انرژی و ژئوپلیتیک است که در آن باکو از یک کشور ترانزیتی به یک معمار تمام عیار اتصال و همکاری اوراسیا تبدیل می‌شود. نقش آن دیگر محدود به تسهیل جریان ها نیست؛ بلکه به طور فعال در حال شکل دهی به زیرساخت ها، قوانین و صف بندی های نظم انرژی چندقطبی است.

این مدل نشان می‌دهد که چگونه آذربایجان از جغرافیا، قابلیت های لجستیکی و چابکی سیاست خارجی خود برای ایفای نقش محوری در امور منطقه ای استفاده می‌کند. در حالی که بسیاری از کشورها هنوز در حال طراحی جایگزین هایی برای کریدورهای سنتی تجارت و انرژی هستند، آذربایجان در حال ساخت و بهره برداری از آنها است - پروژه هایی که جریان انرژی و کالا از حوزه خزر به اقیانوس هند را برای دهه های آینده تعریف خواهند کرد.